

شاه جهان

شاه جهان پنجمین پادشاه سلاله کورگانی اولاده بابر و سومین پسر جهانگیر بتاریخ ۲۹ ربیع الاول هزار هجری قمری در لاهور متولد شده و از طفلی تا سالهای چندی از بنین جوانی به سلطان خرم ملقب بود. مادرش نواب جووده باهی نام داشت و دختر راجه بهگوان داس راجه جوو هپور بود و در دامن تربیت رقیه سلطان بیگم دختر میرزا هندال زن جلال الدین اکبر بزرگ شد. بعد از وفات پدرش جهانگیر روز دوشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۰۳۷ هجری قمری در اکبر آباد بر تخت نشست و ۳۲ سال سلطنت و ۷۶ سال عمر کرد و دوشنبه ۲۶ رجب ۱۰۷۶ هجری قمری پسد ورد حیات یافت.

شاه جهان طوریکه بعد ازین مفصل دیده خواهد شد غیر از سفرهای دوران شهزادگی در طی ۳۲ سال سلطنت خود چهار مرتبه در سالهای ۱۰۴۹ و ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷ و ۱۰۶۲ بکابل آمده و هر دفعه مدتی درین شهر گذرانید. در دوره سلطنت شاه جهان و در طی دوره های اقامت وی بمناسبت مفکوره لشکر کشی ها علیه نذر محمد خان والی بلخ در صفحات شمال و در مقابل حکام صفوی بطرف قندهار در شهر کابل و بالا حصار آن بیشتر فعالیت های نظامی بعمل می آمد معذالک عمران و آبادی چه در بالا حصار و چه در سایر حصص کابل رونق زیاده یافته و دوتن از صوبه داران شهر سعید محمد خان و علیمردان خان در تعمیل نقشه ها و مفکوره های عمرانی شاه جهان نقش بزرگی بازی کردند.

نذر محمد خان اوزبک از وقایع مهمی که در آغاز سلطنت شاه جهان و فکر تسخیر کابل: مربوط به تاریخچه کابل و بالا حصار آن
عبدالعزیز پسر
نذر محمد خان:
باقی حاکم قبایلیان:
شاه نذر حاکم طالقان:
عوض حاجی بنمای
حاکم غوری:

میتوان ذکر کرد فکری است که در کابل
نذر محمد خان اوزبک والی بلخ و پد خشان
راجع به تسخیر کابل پیدا شد. بیشتر در صفحه
(۲۴۰) این کتاب نوشتیم که چطور در پایان
دوره سلطنت جلال الدین اکبر مقارن ۱۰۰۶
هجری قمری عبدالله خان اوزبک والی توران

قاسم حسین قوشچی

حاکم ایبک :

طاهر میرزای منغظ

حاکم بغلان :

صالح گوگلتاش :

نذر محمد حاکم امام :

کاشغری خواجه

حاکم آقسرائی :

ترسون بی قطغان

حاکم اشککش :

حق نظر توپچی باشی :

مقاومت قلعه ضحاک :

خنجر خان :

وفات کرد و بجایش مدتی پسرش عبدالمومن

نشست و بجای وی باقی خان یکی از خواهر

زاده های عبدالله خان بخانی رسید بعد از وفات

باقی خان ولی محمد خان حکمران سمرقند شد

ولی یلنگتوش اتالیق وی بنای مخالفت را بسا

او گذاشته امام قلیخان را از بلخ طلب کرد و

بدین منوال امام قلیخان و برادرش نذر محمدخان

در دو طرف جیحون (آمو دریا) یکی بصف

والی نوران در بخارا و سمرقند و دیگری بصف

والی بلخ در بلخ و بدخشان به حکومت رسیدند

در فرصتی که جهانگیر از جهان

در گذشت و شاه جهان بر تخت صعود

میکرد و والی بلخ نذر محمد خان

بفکر افتاد که بر کابل حمله کند و این شهر را بتصرف خویش

در آورد. والی بلخ نقشه زیرگسی پیش خود طرح کرده پسرش

عبدالعزیز باقی حاکم قبادیان، شه نذر حاکم طالقان، عوض حاجی نبمای حاکم غوری،

قاسم حسین قوشچی حاکم ایبک، طاهر میرزای منغظ حاکم بغلان، صالح گوگلتاش

نذر محمد حاکم امام، کاشغری خواجه حاکم آقسرائی، ترسون بی قطغان حاکم

اشککش، حق نظر توپچی باشی و جمعی دیگر را بطور هر اول فرستاده خود از عقب

روان شد.

چون پیش قراول نذر محمدخان به قلعه ضحاک رسید مقاومت شروع شد. قلعه ضحاک

نقطه ای بود که در حد و د قلمرو نذر محمدخان و صو به دار کابل و قوع داشت

پانزدهم رمضان ۱۰۲۷ هجری قمری جنگ شروع شد. والی بلخ قوای خود را

به سه حصه تقسیم کرد: از جانب آبگیر که شمالی قلعه است عبدالرحمن بی اتالیق

و عوض حاجی و قاسم حسین و طاهر میرزای منغظ و کاشغری خواجه و جو قی

از طرف دروازه که بسمت شرق قلعه واقع است صالح کو کلتاش و حق نظر
 توپچی باشی و جاجم توقسا نه و جمعی و از سمت سر کوب قلعه یعنی از جناح جنوبی
 شه نذر میر آخور و تر سون بی و گروه دیگر به یکبار حمله آوردند خنجر خان
 حارس قلعه سخت مقاومت کرد به نحوی که نذر محمد خان قلعه ضحاک را نا کشاده
 مانده متوجه کابل شد و چون راه غور بند محافظه میشد از طریق سیاه سنگ خویش
 راه به پمقان (پغمان) رسانید تا بر کابل حمله کند. راه سیاسنگ بگمان غالب عبارت
 از راه دره (کالو) است که الان هم از طریق سرچشمه و گردن دیوال به پای خرابه های
 شهر ضحاک منتهی میشود.

نذر محمد خان میگویند همینکه نذر محمد خان و همراهانش به پغمان

در پیرامون کابل: و لکن رسیدند دست تعدی به اهالی اینجاها

کار پردازان دراز کردند و به تدریج پیش آمده خویش را در

صوبه داری کابل: پیرامون حصار کابل رسانیدند و بانوشتن مکاتیب

یعقوب خان بدخشی: و ارسال پیغام ها بنای دادن و عده و وعید را گذاشتند

بالچوقلیج: درین فرصت در سال های اخیر سلطنت جهانگیر

عبدالرحمن ترنابی: صوبه دار کابل خواجه ابوالحسن بود و پسرش

معین خان بدخشی: ظفر خان درین فرصت به نیابت پدرش امور صوبه

قاضی زاهد قاضی کابل: داری را در دست گرفته بود ولی درین فرصت بعلمت

گنگاش در صفه: جنبش در تیراه متوجه آن صوب شده بود

بیرون دروازه دهلوی: بزرگان دستگاه صوبه داری کابل درین وقت

پنجشنبه شوال: عبارت بود از: یعقوب خان بدخشی، بالچوقلیج

پشته نهر فتح: داماد قلیج خان صوبه دار قدیم کابل، عبدالرحمن

پشته ماهر و: ترنابی، معین خان بدخشی و قاضی کابل، قاضی زاهد.

پشته افغانان: ایشان دروازه های بالا حصار کابل را محکم کرده

مقبره سید مهدی خواجه: و آماده مدافعه شدند و ضمنا برای اینکه به

پیام های نذر محمد خان جواب داده باشند در صفه بیرونی خارج حصار متصل

خانہ عبد الرحمن
 ترنابی در شمال قلعه :
 مقبرہ خان دوران
 در شرق قلعه :
 مدرسہ خواجہ عبدالحق
 در شمال قلعه :
 گلکنہ جنوبی قلعه :
 ملیچارہا در پیرامون
 قلعه بالا حصار :
 دروازہ دہلی :
 دروازہ آہنی :
 شیخ طاووس :
 دروازہ خواجہ خضر :
 میر موسی
 مشہور بہ میر گل
 لشکر خان
 صوبہ دار کابل :
 لشکر فتح و ۱۶
 محرم ۱۰۲۸ :
 موقع کردند بدین نحو : نذر محمد خان

دروازہ دہلی جمع شدہ و نمایندگان
 نذر محمد خان را برای مذاکرہ
 وعزم جزم خویش را مبنی بر دفاع شہر و قلعه
 بہ ایشان واضح نمودند . چون ایلچیہا
 برگشتند و نظریات ایشان بہ نذر محمد خان
 معلوم شد مصمم بر تسخیر قلعه کابل شد و بہ
 جانب شہر بہ پیشروی مبادرت کرد . روز
 پنجشنبہ پنجم شوال ۱۰۲۷ قراولان اوار پستہ
 نہر فتح و پستہ ماہرو نمودار شدند . قراولان
 جنود نصرت آلود بر پستہ دہ افغانان و مقبرہ
 سید مہدی خواجہ در برابر افواج غنیم تا آخر
 روز بہ مدافعت پرداختند . (۱) بہ این ترتیب
 تصادم اول میان مدافعہ کنندگان شہر کابل
 و قوای نذر محمد خان بین بی بی ماہرو و قلعه
 فتح و دہ افغانان صورت گرفت سبس قوای
 مدافع بہ شہر برگشت و داخل قلعه شد و قوہ
 مهاجم پیش آمدہ و بہ نحوی کہ پادشاہ نہ
 متذکر میشود در خانہ های اطراف قلعه احد
 موقع کردند بدین نحو : نذر محمد خان

و عبد العزیز در خانہ عبد الرحمن بیگ ترنابی کہ شمال قلعه است و پلنگتوش ،
 بی اتالیق داداری در مقبرہ خان دوران کہ شرق قلعه است محاذی دروازہ ،
 دہلی و عبد الرحمن دیوان بیگی در مدرسہ خواجہ عبدالحق کہ شمالی قلعه است .

(۱) صفحہ ۲۱۰ - مداول پادشاہ نامہ تصنیف ملا عبد الحمید لاہوری طبع کالج پریس
 کلکتہ در سال ۱۸۶۷ ع

«پهلوی دولت خانه قدیم و کاشغری سلطان برنه نذر محمد خان در گلکنه که جنوبی،
 «قلعه است منازل گزیدند و از هر جانب ملچار آغاز نهادند. بدین تفصیل ملچار یلنگتوش،
 «داداری دروازه دهلوی ملچار عبدا لعزیز عبدالرحمن اتالیق دروازه آهنی،
 «ملچار محمد باقی بی قلماق طرف شیخ طاوس، ملچار باقی دیوان بیگی و وقاص،
 «حاجی ایسک آقا باشی و نذر پروانچی و نظر جوهره آقاسی و حق نظر توپچی،
 «باشی میان دروازه دهلوی و دروازه آهنی، ملچار کاشغری سلطان و منصور،
 «حاجی و ترسون میرزای مختصر دروازه خواجه خضر ملچار چوچک بیگ حاکم،
 «ترمند و حاجی بیگ برادر او رازنی با جمعی، میان ملچار یلنگتوش و ملچار،
 «کاشغری سلطان، ملچار قباد میر آخور و یادگار بکریت میان ملچار یلنگتوش،
 «اتالیق و ملچار باقی دیوان بیگی - ملچار شادی بیگ پروانچی حاکم دهنو،
 «با مردم امام قلی خان میان ملچار عبد العزیز و ملچار محمد باقی بی قلماق» (۱)
 بدین ترتیب نذر محمد خان والی بلخ قوای خود را به دسته ها تقسیم نموده از
 چهار سمت بر قلعه کابل هجوم آوردند تا اینکه کنار خندق رسیدند. از
 داخل قلعه میر موسی مشهور به میر گل از قلعه برآمده و بر ملچار باقی بی قلماق
 حمله کرد و برای شرح واقعه باز به پادشاه نامه مراجعه میکنیم:
 «... چون ملچارها به خندق رسیدند و مدد مهابر افر اخیتمند میر موسی مشهور به
 «میر گل از تاینان خواجه ابو الحسن با گروه پیکار پژوه احدیان از قلعه بر
 «آمده بر ملچار محمد باقی بی قلماق دوید و جمعی را بار گران سر از دوش بلا،
 «آغوش بر گرفته بسبک باری بادیه پیمای عدم گردانید و سر کوب شان بخاک،
 «برابر ساخت و با دوازه ناموس پرست به گلگونه زخم رخسار روزگار خود
 «بیاراست و سر و سلاح مخالفان نزدها قلعه آورده تهنیت فیروزی گفت و تا سه
 «ماه که لشکر خصم دایره محاصره تنگ داشت از هر دو جانب کشش و کوشش راه
 «روز بازار گرم بود»

«بدین منوال مدت سه ماه قلعه کابل در محاصره ماند و چون خبر به شاه جهان
 «رسید بتاريخ ۱۵ ذی قعدة مهابت خان خانناران سپه سالار رادر رئیس ۲۰ هزار
 «سوار بطرف کابل فرستاد در میان امرای معیتی او از هندو و مسلمان شامل بود مانند
 «راورتن و راجه جی سنگه و را و سور و معتقد خان که واقعه نویسی سپاه بدو مفوض»

(۱) صفحه ۲۱۱ جلد اول یاد شاه نامه